

تأثیر سبک فرزندپروری و عملکرد خانواده بر اعتیاد

پریسا صمدی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

Parisa.samadi9@gmail.com

۱- چکیده

اعتیاد یکی از معضلات جامعه امروز ما است. عوامل زیادی در گرایش افراد به اعتیاد دخیل است. پژوهش حاضر از نوع مروری می‌باشد. هدف پژوهش مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌ها راجع به نقش خانواده و سبک‌های مختلف فرزندپروری بر اعتیاد است. روش مورد استفاده در این پژوهش مطالعه‌ای و کتابخانه‌ای بود. در این پژوهش به بررسی پیشینه مقالات در زمینه اعتیاد، خانواده و سبک‌های متفاوت فرزندپروری پرداخته شد. در این راستا از مقالات خارجی و داخلی استفاده شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که خانواده و رفتار مراقبت‌کننده‌ها به خصوص والدین و شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های مقابله* با مشکلات در گرایش افراد به اعتیاد نقش دارند.

کلمات کلیدی: خانواده، اعتیاد و سبک‌های فرزندپروری

۲- مقدمه

مساله اعتیاد یکی از پیچیدگی‌ترین چالش‌هایی است که در حال حاضر جامعه ایران و بسیاری از جوامع با آن مواجه هستند. وابستگی و سوءمصرف مواد یک بیماری است. اختلال وابستگی به مواد، معمایی بسیار پیچیده، چند وجهی و با ابعاد جهانی است. اعتیاد به مواد مخدر، بیماری روانی عود کننده و مزمنی است که با اختلالات انگیزشی شدید و از دست دادن تسلط رفتاری همراه است. عوارض بسیار جدی اعتیاد بر سلامت فرد، زندگی خانوادگی، اقتصاد، امنیت و رشد فرهنگی جامعه بسیار گسترده و عمیق است. وابستگی به مواد مخدر مسئله‌ای اجتماعی است. اعتیاد در واقع، عامل ظهور بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های خانوادگی و فردی می‌باشد. «پدیده اعتیاد و به خصوص افزایش سوءمصرف و وابستگی به مواد مخدر صنعتی باتوجه به تأثیرات روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی، خانواده و جامعه را تهدید می‌کند و به رفتارهای آسیب‌زایی مانند تنش در نقش‌های خانوادگی، ولگردی و دیگر رفتارهای کجروانه منجر می‌شود. به همین خاطر، از مهمترین مسائل اجتماعی جهان امروز و همچنین یکی از عوامل تأثیرگذار در بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود». اعتیاد یک بیماری اجتماعی است که به عنوان یک پدیده مهلک و مخرب در هر جامعه‌ای مطرح می‌باشد. تا زمانی که به ویژگی‌های معتاد و علل گرایش او به اعتیاد، توجه نشود، درمان جسمی و روانی فقط برای مدتی کوتاه، اثربخش خواهد بود و فرد معتاد دوباره گرفتار مواد مخدر خواهد شد. تحقیقات نشان می‌دهند که باتوجه به درصد بالای

* Coping styles

جمعیت جوان در ایران، آمار معتادان جوان و نوجوان رو به افزایش و سن آنها رو به کاهش است. در واقع، طبقه جوان بیش از میانسال و سالخوردگان به اعتیاد گرایش یافته‌اند و متأسفانه مواد مخدر صنعتی مثل کراک و شیشه تبدیل به متداولترین مواد مخدر مورد استفاده آنان شده است.

خانواده* به عنوان اولین عامل حمایتی می‌تواند تاثیر بسیاری بر مشکلات روانی، رفتاری و شخصیتی دوران بزرگسالی داشته باشد. خانواده جایگاه مهمی در رشد شخصیت فرد دارد و افرادی که در بزرگسالی دچار مشکلات شخصیتی و روانی می‌شوند، از خانواده‌های ناسالم می‌باشند. عملکرد خانواده را توانایی خانواده در هماهنگی یا انطباق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تعارضها[†]، همبستگی میان اعضا و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز میان افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل خانواده تعریف کرده‌اند. خانواده نقش چشمگیری در انتقال آداب و رسوم به نسل‌های بعد و بیشتر از همه به فرزندان را دارد. ناتوانی خانواده در اجرای کامل کارکردهایش گویای این مطلب است که جامعه نیز به اهداف خود نخواهد رسید. پس اهمیت نقش والدین و نوع رفتاری که با کودک و نوجوان دارند در بروز رفتارهای آسیب‌زا به عنوان اولین عامل، چشمگیر است.

روش‌های فرزند پروری ترکیباتی از رفتارهای والدین هستند که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری با دوامی را به وجود می‌آورند. در واقع فرزندپروری به روش‌ها یا رفتارهایی گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد فرزند تاثیر می‌گذارند. پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندانشان است. شیوه‌های تربیتی فرصتی است تا فرزندان بتوانند در شرایط موجود به وسیله ارزیابی روابط خود با دیگران تصویری مثبت از خویش بیافرینند. وقتی انتظارات و توقعات والدین یعنی آرمان‌های آنان در مورد فرزندانشان با توجه به واقعیت وجودی آنان باشد، تصویری که فرزند از خود می‌آفریند، بسیار غنی و سازنده است و سطح انتظار فرزند از خود و دنیای اطراف را تعیین می‌کند. شیوه‌های فرزندپروری والدین قادر به پیش‌بینی استعداد و اعتیاد نوجوانان هستند. بامریند اولین فردی بود که در حوزه روان‌شناسی اصطلاح سبک‌های فرزندپروری را ارایه داد. بامریند ۴ سبک مقتدرانه[‡]، سهل‌گیرانه[§]، مستبدانه^{**} و طردکننده^{††} را بیان کرد که از میان آنها سبک مقتدرانه (انتظارات معقول با ایجاد محدودیت‌های منطقی و ابراز محبت و مشارکت فرزند در تصمیم‌گیری) تاثیر معکوس در سوق افراد به سمت اعتیاد دارد. از طرفی سختگیری بیش از حد یا سهل‌گیری افراطی والدین، موجب افزایش اعتیاد در میان جوانان و نوجوانان می‌شود. سبک‌های فرزندپروری براساس دو مشخصه میزان توقع و پاسخ‌دهی طبقه‌بندی می‌شوند. توقع به این اشاره دارد که والدین، رفتار پخته را از فرزندان خود انتظار دارند و پاسخ‌دهی به این اشاره دارد که والدین گرمی عاطفی و پذیرش نشان دهند. براساس ۴ سبک گفته شده کودکان والدین مقتدر شایستگی‌های شناختی و اجتماعی بالاتر، احساس سلامت روان‌شناختی و ارتباط بهتر با دیگران دارند. از طرف دیگر، کودکان والدین مستبد، عیار پایینی از مشکلات رفتاری و مصرف مواد، همراه با شایستگی اجتماعی و عزت‌نفس پایین‌تر از خود نشان می‌دهند و کودکان والدین سهل‌گیر، شایستگی اجتماعی و عزت‌نفس بالایی دارند اما انگیزه پیشرفت پایین و

* family

† Resolve conflicts

‡ authoritatively

§ permissive

** despotic

†† Repulsive

درگیری پایین با مسایل تحصیلی و عیار بالایی در مشکلات رفتاری و مصرف مواد دارند. مطالعات نشان دادند که سبک فرزندپروری مستبد با نافرمانی نوجوانان و گرایش آنها به اعتیاد رابطه دارد.

یافته‌های شیوع شناسی اعتیاد در ایران نشان می‌دهد با توجه به مقادیر مصرف مواد مخدر و روان گردان‌ها و شیوع اعتیاد در کشور و به تبع آن تغییر جنسیت، تأهل، سن، شغل و تحصیلات معتادان، توجه کافی نسبت به تحقیقات مختلف در جمعیت عمومی کشور صورت نپذیرفته است. مصرف مواد نه تنها به دلیل آثار سو فردی، بلکه به دلیل پیامدهای منفی آن برای جامعه به مساله‌ای اجتماعی بسیار مهم و خطرناکی تبدیل شده است. مصرف مواد مخدر یکی از عوامل اصلی اختلال در خانواده‌ها و ارتکاب جرائم است و بهداشت و سلامت افراد و جامعه را با خطرهای جدی مواجه می‌سازد که هزینه‌های اقتصادی آن برای کشاورزی مانند ایران از تصور خارج است. مصرف مواد در کشور ما سابقه‌ای چند هزار ساله دارد. از اولین احکام مربوط به ممنوعیت تریاک که به ۴۰۰ سال پیش باز می‌گردد، روشن می‌شود که عوارض آن صدها سال است که توجه سیاستمداران را به خود جلب کرده است. در طول قرن اخیر با ورود هرویین و مواد دیگر وضعیت مصرف مواد در کشور پیچیده‌تر شده، به موازات آن سیاست‌های متعددی برای کنترل مصرف و کاهش عوارض آن اتخاذ شده است. این مسأله تا آنجا پیش رفته است که سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۹) مسأله مواد مخدر، تولید، انتقال، توزیع و مصرف را در کنار تولید سلاح‌های کشتار جمعی، آلودگی محیط زیست و شکاف طبقاتی به عنوان مسائل اساسی که حیات بشری را در همه ابعاد آن تهدید می‌کنند برشمرده است، از این رو پرداختن به این موضوع بسیار مهم تلقی می‌شود. پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و عملکرد و نقش خانواده در اعتیاد افراد پرداخته است.

۳-پیشینه تحقیق

اعتیاد در جهان امروز باعث نابودی بسیاری از خانواده‌ها، به انحراف کشیدن جوانان، شیوع و گسترش بیماری‌ها و ضررهای فراوان اقتصادی و درنهایت مرگ و میر شده است. در جامعه ما اعتیاد به صورت یک مشکل فراگیر در آمده است که اقشار مختلف جامعه با جایگاه و شرایط اجتماعی-اقتصادی متفاوت را درگیر خود کرده است. این پدیده خانمان‌برانداز در جنسیت و سنین مختلف دیده می‌شود و مربوط به یک قشر یا جنسیت یا سن خاصی نیست. جایگاه خانواده در پدیدآیی این مشکل بسیار مشهود می‌باشد، چون فرد در بستر خانواده رشد کرده و شخصیتش شکل می‌گیرد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان رابطه شیوه فرزندپروری و گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر ایلام بیان داشتند که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه اثر مثبت و مستقیمی بر گرایش به اعتیاد دارد. فرزندان والدین با سبک فرزندپروری مقتدرانه به دلیل کنترل و حمایت کافی و ایجاد یک محیط تربیتی ایمن کمتر تمایل به اعتیاد پیدا می‌کنند. فرزندان آنها متکی به نفس* و باکفایت می‌باشند.

ریسی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان مقایسه سلامت روان و شیوه‌های فرزندپروری در بین افراد معتاد و غیرمعتاد اظهار کردند که وضعیت فرزندپروری افراد غیرمعتاد از نظر سردی و گرمی با وضعیت گروه معتاد تفاوت معنی‌داری

* self-reliant

دارد. خشونت همراه با سردی روابط در خانواده‌های آسیب‌دیده یک مساله جدی است و سخت‌گیری خشن و تنبیه‌های بدنی یکی از عوامل موثر در اعتیاد است.

نتایج پژوهش رابطه سبک‌های فرزندپروری و گرایش به مصرف مواد مخدر که توسط قدرتی و همکاران (۱۳۹۹) انجام شد، نشان داد که اثر مستقیم سبک فرزندپروری بر گرایش به مواد مخدر در دانشجویان به الگوهای رفتاری والدین برمی‌گردد. زیرا سبک رفتاری والدین عامل محافظتی قدرتمندی است. والدین با بهره‌وری از این عوامل به برآورده شدن نیازهای اساسی، برقراری فضای امن در خانواده و... می‌پردازند و می‌تواند مانعی برای رفتارهای مشکل‌زا در جامعه و گرایش به مواد مخدر باشد.

جلیلیان (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان بررسی شبکه روابط/پیوندهای اجتماعی غیررسمی سالم و ناسالم در بین جوانان معتاد ۱۸-۳۵ سال مراکز ترک اعتیاد بیان کرد که بین اندازه شبکه ناسالم فرد در قبل و بعد از زمان اعتیاد با شدن درگیری در اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. افراد معتاد معمولاً شبکه ارتباطی ناسالمی دارند که بعد از اعتیاد قادر به ترک آن نیستند. هرچقدر فرد صمیمیت بیشتری با شبکه سالم داشته باشد درگیری کمتری با اعتیاد خواهد داشت. عامل دیگر گروه همسالان و دوستان است که در اعتیاد فرد موثر است.

در پژوهشی که توسط باقری‌فر و همکاران در سال ۱۳۹۵ با عنوان روان‌شناسی خانواده انجام شد به نتایجی دست یافتند. باقری‌فر و همکاران به اهمیت نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت فرد اذعان داشتند. خانواده موفق خانواده‌ای است که از حداقل سلامت روانی برخوردار باشد و در این نوع خانواده است که فرزندان در سایه یک تربیت صحیح دارای شخصیتی خوش‌بین^{*}، احساس همدردی[†] و قابلیت همکاری می‌شوند.

قمصری و رستمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان اعتیاد والدین، مشکلات فرزندپروری و آسیب‌شناسی روانی فرزندان از تأثیرات اعتیاد والدین بر شکل‌گیری مشکلات شخصیتی و اختلالات روانی فرزندان سخن گفتند. اعتیاد والدین موجب سبک‌های فرزندپروری منفی و نظارت کمتر می‌شود. آنها با فرزندان خود بدرفتاری کرده و باعث اختلال در سیستم خانواده و شکل‌گیری سبک دلبستگی ناایمن[‡] می‌شوند. این کودکان معمولاً عملکرد تحصیلی پایین و افت تحصیلی داشته و میزان شیوع انواع اختلالات روانی از جمله افسردگی، اضطراب و سومصرف مواد در آنها بالا می‌باشد.

۴-اعتیاد از دیدگاه رویکردهای مختلف

۴-۱- رویکرد عملکرد خانواده[§]

مینوچین خانواده را یک واحد اجتماعی که با یک رشته وظایف تکاملی روبه‌رو است تعریف می‌نماید. این وظایف در امتداد پارامترهای تفاوت‌های فرهنگی تغییر می‌کند، اما ریشه‌های آنها جهانی است. همچنین مینوچین خانواده را کانون شکل‌گیری

* optimistic

† sympathy

‡ insecure attachment

§ Family functioning approach

هویت فرد می‌داند و آن را تکیه‌گاه هویت* انسان می‌نامد. او معتقد است احساس هویت متکی بر دو رکن است، احساس تعلق و احساس مجزابدن و خانواده را آزمایشگاهی می‌داند که این دو جزء در آن باهم مخلوط و نسخه‌پیچی می‌شود. منظور از عملکرد خانواده یعنی توانایی خانواده در هماهنگی یا تطابق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تضادها و تعارضها، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده است. بارنهییل خانواده‌های سالم را از ناسالم براساس ابعاد هشت‌گانه زیر تمیز داده است. او این معیارها را در چهار گروه تحت عنوان محورهای اساسی خانواده به شرح زیر دسته‌بندی می‌کند:

الف) هویت

۱- فردیت در مقابل گروه

۲- تقابل در برابر انزوا

ب) تغییر

۳- انعطاف‌پذیری در مقابل تحجر

۴- ثبات در مقابل عدم ثبات

ج) پردازش اطلاعات

۵- وضوح در مقابل عدم وضوح

۶- نقش وضوح در مقابل نقش‌های مبهم

د) ساختار نقش

۷- تبادل نقش در مقابل نقش‌های مبهم

۸- وضوح در مقابل پراکندگی

بارنهییل موارد فوق را به هم وابسته دانسته است، به نحوی که تغییر در یکی غالباً موجب بروز تغییراتی در سایر موارد می‌شود.

۲-۴- رویکرد روان‌تحلیل‌گری[□]

براساس رویکرد روان‌تحلیل‌گری، اعتیاد به عنوان یک اختلال در ردیف سایر اختلالات تلقی می‌شود. شخصیت هر فرد از ساختار سه‌گانه نهاد، خود و فراخود و سطوح سه‌گانه هوشیاری[□] (هوشیاری، نیمه هوشیاری و ناهشیار) تشکیل شده است.

* identity

† Psychoanalytic approach

‡ Levels of consciousness

افرادی که مواد مختلف را مورد سوء مصرف قرار می‌دهند از ضربات روانی مهمی در زندگی خود رنج می‌برند. شواهد بالینی نیز قویاً مطرح می‌سازد سوء استفاده جنسی یا بدنی توسط والدین و یا افراد با اهمیت دیگر می‌تواند موجب آسیب‌های روانی و هیجانی عمیق به کودکان شود. در زندگی بزرگسالی، این کودکان مورد آزار و اذیت واقع شده، ممکن است به مصرف مواد و داروها برای مقابله با رنج روانی ناشی از سوء استفاده جنسی، روانی، و هیجانی شدن بروند. بهر حال، وقتی که مردم بصورت یک عمل اجباری، صرفاً یکی از روش‌های گریختن از تجربه شرم را مورد استفاده قرار می‌دهند، آنها به چنین نظام کنترلی به سادگی وابسته و معتاد می‌شوند. علاوه بر این، کنترل رنج روانی از طریق هر شکلی از رفتار اجباری صرفاً برای یک دوره زمانی کوتاه مؤثر واقع می‌شود.

۳-۴- رویکرد ناکامی منزلتی*

جامعه شناس معاصر آمریکایی آلبرت کوهن که نظریه ناکامی منزلتی را از نظرات مرتون استخراج کرده، معتقد است طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند و این در حالی است که جامعه آنها را به کسب منزلت تشویق می‌کند و امکان دستیابی را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد. طبقات پایین در جامعه پذیری، آموزش و پرورش و هنجارها و ارزش‌ها با تبلیغ خصایص و ارزش‌های طبقه متوسط روبرو هستند در حالی که از تحرک اجتماعی و حضور در این طبقه محروم هستند. در ایران نیز به علت شکست و سرخوردگی جوانان در کسب منزلت و ارزش، ناچاراً افراد به خرده فرهنگ‌های[‡] بزهکار روی می‌آورند که در این خرده فرهنگ‌ها کجروی‌هایی مانند اعتیاد خود ارزش و راه حل و حتی راه رسیدن به منزلت تعریف می‌شود. میل به اعتیاد از این منظر نه با هدف سودمندگرایانه بلکه برای لذت جویی و کسب منزلت انجام می‌شود و ناکامی منزلتی چنین پدیده‌ای را در میان طبقه‌های پایین جامعه ایجاب و ایجاد می‌کند.

البته مسئله‌ای که اغلب نظریه‌ها از آن غافلند پدیده اعتیاد به مواد مخدر در میان طبقه‌های بالای جامعه است که اینگونه افراد نه انزواطلب هستند و نه مشکل زیستی و روانی دارند و نه با ناکامی منزلتی مواجه هستند. بلکه معمولاً هر اقدامی برای تفریح و سرگرمی و وقت گذرانی و لذت جویی انجام می‌دهند که اعتیاد نیز برای آنها حکم چنین مسئله‌ای را دارد اما به تدریج با اعتیاد و وابستگی به مواد مخدر، فعالیت، مشارکت و تعهد اجتماعی خویش را از دست می‌دهند که البته این افراد کمتر منحرف محسوب می‌شوند چه به دنبال اعتیاد آثار اجتماعی چندانی در جامعه ندارند و شاید نتوان آنها را منحرف و کجرو محسوب کرد.

۴-۴- رویکرد چند نسلی[‡]

این رویکرد که نشأت گرفته از نظریات بوئن است، به آسیب‌های خانوادگی در چند نسل می‌پردازد. در رویکرد بوئن بیماری‌های عاطفی زمانی ایجاد می‌شود که افراد نمی‌توانند خود را به نحوی شایسته از خانواده‌های اصلی‌شان متمایز کنند.

* A dignified failure approach

† subculture

‡ Multigenerational approach

متمایز کردن خود عبارت است از توانایی به دست آوردن کنترل عاطفی و در عین حال، ماندن در جو عاطفی شدید خانواده، متمایز کردن خود بیانگر میزان توانایی فرد برای تفکر واقع‌بینانه راجع به موضوعات سرشار از عاطفه در خانواده است.

۵-۴- رویکرد شناختی*

براساس دیدگاه شناختی، آشفتگی‌های روانی، ناشی از خطاهای شناختی تفکر است. اختلالات روان شناختی ناشی از تفکر ناکارآمد برخاسته از باورهای ناکارآمد[□] است. با تغییر و اصلاح تفکر ناکارآمد، فرآیند بهبودی آغاز و با اصلاح باورهای ناکارآمد این بهبودی ادامه می‌یابد. دیدگاه شناختی بر این باور است که سوء مصرف کنندگان مواد مخدر از نظر شناختی در برابر مصرف مواد مخدر، آسیب پذیرند. به عبارت دیگر تحت شرایطی در این افراد باورهای خاصی فعال می‌شوند که احتمال سوء مصرف مواد مخدر را در آنها افزایش می‌دهد. این باورهای کاملاً فردی و غیر متعارف (نظیر بدون سر حال شدن و نشنگی نمی‌توانم با دیگران بجوشم) در موقعیتهایی خاص فعال می‌شوند و احتمال مصرف مواد مخدر را افزایش می‌دهند.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری می‌باشد و از متون کتابخانه‌ای و پایگاههای مطالعاتی مختلف برای تدوین مقاله استفاده شده است. یک مقاله مروری، تحقیقات اخیر در یک موضوع تحقیقی را بگونه‌ای خلاصه و سازماندهی می‌کند که بتواند به دیگران در فهم و تجمیع آن موضوع کمک کند. یک مقاله مروری دانش زمینه‌ای لازم در آن موضوع را به عنوان یک فرض در نظر می‌گیرد و به آن نمی‌پردازد و در عوض به طبقه‌بندی تحقیقات انجام شده در آن موضوع و دورنمای این موضوع تحقیقاتی در آینده و ارزیابی و مقایسه راهکارها و روش‌های موجود می‌پردازد و هدف آن، فراهم کردن یک دیدگاه به خوبی سازماندهی شده و کامل از کارهای انجام شده در یک موضوع تحقیقی می‌باشد.

۶- نتیجه گیری

سوء مصرف مواد یک معضل جهانی است که هر جامعه با توجه به ویژگی‌های خاص افراد خود، به نحوی از آن رنج می‌برد مشخصات فرهنگی، اجتماعی، نگرش و دیدگاه‌های موجود در هر جامعه به ویژه در مورد مشکل اعتیاد می‌تواند گروه‌های مختلفی از افراد هر جامعه را در معرض سوء مصرف مواد مخدر قرار دهد. توجه به نگرش افراد جامعه در خصوص مسأله اعتیاد جهت برنامه ریزی برای مهار این معضل و پیشگیری از آن نقشی اساسی دارد. تناقص موجود میان نگرش افراد معتاد به مسأله اعتیاد در دو جنبه فردی و اجتماعی قابل تأمل است. توجه به اوقات فراغت، فراهم آوردن امکانات لازم برای ایجاد بسترهای فرهنگی و فیزیکی، گذراندن این اوقات به بهترین نحو، در پیشگیری از نابسامانی‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد نقش بسیار مؤثری خواهد داشت. به نظر می‌رسد پرداختن به مسایل نگرشی نسبت به

* Cognitive approach

† Dysfunctional beliefs

معضل اعتیاد در جامعه از موارد مهم و ضروری در خصوص مبارزه و پیشگیری از این معضل به شمار رود. نقش تبلیغات در دنیای امروز بر هیچ کس پوشیده نیست و با نیروی تبلیغات و رسانه گروهی می‌توان پدیده و عقاید مختلف را در بین توده مردم انداخت و آنها را روشن ساخت.

متأسفانه رسانه ها، مخصوصاً صدا و سیما اکنون به جز برنامه های محدودی در زمینه اعتیاد نداشته‌اند. لذا باید برنامه هایی که تمام اقشار بتوانند از آنها استفاده نمایند درمورد مضرات اعتیاد تهیه و بر روی آنتن قرار گیرد. ایجاد اشتغال بیشتر از طریق توسعه صنایع دستی و روستایی مخصوصاً سرمایه گذاری و اعطاء امکانات و امتیازات برای ریشه کن کردن بیکاری که همانا یکی از علل عمده اعتیاد و گرایش به قاچاق است. آگاه کردن خانواده ها مخصوصاً پدران و مادران در رابطه با رفتار فرزندان و تربیت و کنترل صحیح آنها در اجتماع و آشنایی آنها با مضرات اعتیاد به وسیله رسانه‌های گروهی به خصوص صدا و سیما. ایجاد تحول در آموزش و پرورش و تقویت کادر آموزشی و مربیان پرورشی مخصوصاً در روش‌ها و ایجاد فضای آموزشی مناسب که مسلماً می‌شود مضرات مواد مخدر را به نحو ظریفی در کتب درسی عنوان کرد. متخصصان درمانی در حوزه اعتیاد نیز باید به این مساله به صورت سیستمی توجه کنند و مشکل اعتیاد را نه مشکل فردی بلکه مشکلی در سطح خانواده و جامعه در نظر بگیرند. اگر خانواده عملکرد بهتری داشته باشد میزان انحراف فرزند و گرایش او به اعتیاد کمتر خواهد شد. ایجاد فضایی امن و گرم و صمیمانه توسط والدین مانعی در برابر ورود جوانان به حوزه اعتیاد و گرایش آنها به سمت دوستان ناباب می‌شود. استفاده از تجارب علمی و عملی کشورهایی که در زمینه مبارزه با مواد مخدر موفق شده‌اند. همچنین از طریق کنترل درون مرزی و برون مرزی از حمل و نقل مواد مخدر جلوگیری به عمل آید تا از دسترس قرار گرفتن مواد مخدر پیشگیری شود. مبارزه قاطع و پیگیر با عوامل و قاچاقچیان مواد مخدر به خصوص در استان‌های مرزی کشور به ویژه خراسان و سیستان و بلوچستان. امید است که این بالای خانمان سوز در کشور ما ریشه کن شود.

منابع

- Emran Razaghi a, A. F. (n.d.). Identification of the socio-cultural barriers of drug addiction.
Kaveh3, G. M. (n.d.). Determinants of Women's Drug Use During Pregnancy: Perspectives.
Tan, X. Z. (n.d.). The Relationship between the Family Functioning of.
Thomas F. Martinelli a, b. G. (n.d.). Factors associated with problematic substance use before and during the.

شهرام، م، منصور، ح، علی، ه. اعتیاد، بررسی تطبیقی یافته های مبتنی بر نظریه زمینه ای اعتیاد و نظریه های جامعه شناسی، ۱۳۹۹.

کتاب دیباچه ای بر نظریه های اعتیاد به مواد، نوذر نخعی و محمدامین شمسی.

کتاب نظریه های شخصیت، دکتر گنجی

آقابخشی، ح. (۱۳۹۵). خانواده و اعتیاد. فصلنامه علوم اجتماعی، ۴۸-۶۸.

- جلیلیان، ف. (۱۳۸۸). بررسی شبکه روابط پیوندهای اجتماعی غیررسمی سالم و ناسالم در بین جوانان معتاد ۱۸-۳۵ سال مرکز ترک اعتیاد. مجله اعتیادپژوهی، ۱۰۶-۱۲۹.
- رستمی، ع. م. (۱۳۹۸). اعتیاد والدین، مشکلات فرزندپروری و آسیب شناسی روانی در فرزندان. رویش روانشناسی، ۹-۱۴.
- رشیدی، ف. ر. (۱۳۸۷). مقایسه سلامت روان و شیوه های فرزندپروری در بین افراد معتاد و غیرمعتاد. مجله علوم رفتاری.
- فروشان، و. ا. (۱۳۹۶). رابطه شیوه فرزندپروری و گرایش به اعتیاد در دانش آموزان دبیرستان شهر ایلام. علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام.
- کردزایی، م. ب. (۱۳۹۵). روانشناسی خانواده. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- کیالها، ش. (۱۴۰۱). اعتیاد در نوجوانان: مروری بر نقش عملکرد خانواده. ایده های نوین روانشناسی.
- مفاخری، ع. ق. (۱۴۰۰). رابطه سبک های فرزندپروری و گرایش به مصرف موادمخدر: نقش میانجی تکانشگری. فصلنامه علمی اعتیادپژوهشی، ۱۱-۳۲.